

چرا احمق ها از جنایتکاران خطرناک تر هستند؟

دو روز بعد از این که آدولف هیتلر صدراعظم آلمان شد، کشیش دیترش بونهوفر، در یک برنامه رادیویی به مردم کشورش هشدار داد. اما پیش از آنکه حرف هایش تمام شود، پخش برنامه اش قطع شد.

او در همان آغاز کار نازی ها هشدار داد که هیتلر ممکن است نه «رهنما» بلکه «گمراه کننده» باشد. بونهوفر تا پایان عمرش در سال ۱۹۴۵ که به خاطر همکاری با توطئه ترور هیتلر اعدام شد، در برابر نازیسم ایستادگی کرد. اما نکته جالبتر، نگاه متفاوت او به ریشه های این سقوط اخلاقی و سیاسی بود.

او در نامه ای که در زندان نوشت، به این نتیجه رسیده بود که مشکل اصلی، «شرارت» نبود، بلکه «حماقت» بود. او نوشت: «حماقت، دشمنی خطرناکتر برای خوبی است تا شرارت. چون می توان در برابر شرارت مقاومت کرد، آن را افشا کرد یا جلویش را گرفت. اما در برابر حماقت، ما ناتوان هستیم».

او توضیح می دهد که فرد احمق، برخلاف فرد شرور، اغلب از خودش راضی است و به راحتی تحریک می شود و حتی ممکن است دست به حمله بزند.

بونهوفر معتقد بود حماقت، نه یک نقص هوشی، بلکه یک ضعف انسانی است که در شرایط خاص سراغ افراد می آید و مهمتر اینکه، مردم اجازه می دهند که احمق شوند!

او نوشت: «هر زمان که یک قدرت بزرگ سیاسی یا مذهبی ظهور می کند، بخش زیادی از مردم را گرفتار حماقت می کند. چرا که قدرت، به حماقت دیگران نیاز دارد». او در جایی دیگر نوشته: «در گفتگو با یک فرد احمق، انگار با خود او حرف نمی زنی، بلکه با شعارها و کلیشه هایی که در او رسوخ کرده اند روبه رویی». و چه قدر این جمله آشناست برای زمانه ای که در آن بسیاری از انسان ها نه با فکر مستقل، بلکه با تکرار طوطی وار حرف دیگران، قضاوت و رفتار می کنند.

تا به حال پیش آمده که در جمعی باشید و ببینید همه با شور و حرارت از موضوعی دفاع می کنند که نه فقط اشتباه، بلکه حتی خنده دار است؟ شاید سال ها فکر می کردید که با گسترش فناوری، سطح فهم عمومی هم افزایش پیدا می کند؛ اما کافیست کمی در شبکه های اجتماعی بچرخید تا به عکس این تصور برسید.

واقعیت این است که مفهوم «حماقت جمعی» هرگز تا این اندازه قابل مشاهده نبوده است. در جایی خواندم که در عصر ما، «حماقت دیگر یک ویژگی فردی نیست، بلکه یک پدیده ساختاری است». اگر نگاهی به گذشته بیندازیم، خواهیم دید که چگونه این پدیده، زمینه ساز ظهور رژیم هایی شده که جامعه را به ورطه تاریکی کشاندند. با این حال، کمتر کسی فکرش را می کرد که این چرخه در عصر اطلاعات، دوباره تکرار شود.

مفهوم «حماقت جمعی» نه تنها در تاریخ حضور پررنگی داشته، بلکه حالا با ابزارهایی چون اینترنت و شبکه های اجتماعی، سریع تر و عمیق تر گسترش می یابد. روزی به خرد جمعی در فضای آنلاین ایمان داشتیم. در آغاز، اینترنت قرار بود سکویی باشد برای تبادل آراء، دسترسی آزاد به دانش، و قدرت گیری انسان های کنجکاو. اما چه شد که حالا شبکه های اجتماعی به جولانگاه توهین، لطفه های سطحی و باز نشر بی دلیل شایعات تبدیل شده اند؟

پاسخ در مفهوم «حماقت جمعی» نهفته است؛ نوعی ناتوانی عمومی در تفکر مستقل، که با شتابزدگی و فشار گروهی همراه می شود. اگر به ریشه ها نگاه کنیم، این حماقت، زاده شرایطیست که مردم را از تحلیل بازمی دارد و به واکنش های احساسی سوق می دهد. شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که در فضای مجازی، با پستی روبه رو شوید که آشکارا اشتباه است؛ اما صدها لایک و باز نشر دارد. چرا این گونه محتواها تا این اندازه محبوب می شوند؟ چرا حماقت، این قدر همه گیر شده. شاید پاسخش را بتوان در تحلیل های دیترش بونهوفر پیدا کرد. او در نامه ای از زندان نوشته بود: «در برابر حماقت، ما بی دفاعیم».

به نظر می رسد این جمله همچنان در زمانه ما صدق می کند. زیرا «حماقت جمعی» نه از کم هوشی، بلکه از نوعی «واگذاری اراده فردی» ناشی می شود. همین موضوع است که «آن» را خطرناکتر از شرارت می کند! / اندیشه پویا

#تحلیل_زمانه

□ @TahlilZamane